

رابطه میان سلطه اجتماعی و بی تفاوتی اخلاقی: شواهدی از حرفه

حسابرسی

دنیا ملکی^۱ بهمن بنی مهد^{۲*} حمیدرضا وکیلی فرد^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۷

چکیده

رعایت اخلاق در حرفه حسابرسی، از اهمیت بسیاری برخوردار است. رفتار اخلاقی به عنوان یک رفتار اجتماعی به نگرش و جهت گیری های اجتماعی افراد جامعه وابسته است. یکی از این جهت گیری ها، جهت گیری سلطه اجتماعی است. بنابراین، هدف این مقاله مطالعه ارتباط میان سلطه اجتماعی و بی تفاوتی اخلاقی در حرفه حسابرسی است. این پژوهش، از نوع پژوهش های پیمایشی بوده و نمونه آماری پژوهش شامل ۲۲۹ نفر از حسابرسان شاغل در سازمان حسابرسی و موسسات خصوصی حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی که با روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شده اند. اطلاعات مورد نیاز پژوهش حاضر از طریق تکمیل پرسشنامه در سال ۱۴۰۱ گردآوری شده است. نتایج پژوهش نشان می دهد که بی تفاوتی اخلاقی و سلطه اجتماعی میان زنان و مردان، حسابرسان سازمان حسابرسی و موسسات خصوصی حسابرسی و همچنین میان حسابرسان با سطوح مختلف تحصیلی تفاوت معنی داری با هم ندارند. هم چنین شواهد پژوهش تایید می نماید که رابطه ای مثبت و معنی دار میان سلطه اجتماعی و بی تفاوتی اخلاقی حسابرسان وجود دارد. جنسیت، تجربه کاری، تحصیلات و محل اشتغال حسابرس رابطه معنی داری با بی تفاوتی اخلاقی ندارد. نتایج این پژوهش می تواند سیاست گذاران حرفه حسابرسی را از سطح بی تفاوتی اخلاقی و سلطه اجتماعی حسابرسان و هم چنین ارتباط میان این دو متغیر، آگاه نماید.

واژه های کلیدی: سلطه اجتماعی، بی تفاوتی اخلاقی، حسابرسان، حرفه حسابرسی.

^۱ دانشجوی دکتری حسابداری، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

donya.maleki@srbiau.ac.ir

^۲ دانشیار مدعو گروه حسابداری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

dr.banimahd@gmail.com،

^۳ دانشیار گروه حسابداری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

H-vakilifard@srbiau.ac.ir

۱-مقدمه

با تشکیل جامعه حسابداران رسمی ایران و افزایش تقاضا برای خدمات موسسات خصوصی حسابرسی از سوی واحد های تجاری، تعداد موسسات حسابرسی افزایش و در نتیجه رقابت در بازار حسابرسی بیشتر از گذشته رونق یافته است. این موضوع باعث شده است تا برخی از حسابرسان ، اخلاق حرفه ای را رعایت نمایند و به دنبال مشتری مداری باشند(مشهدی و همکاران ، ۱۳۹۸). طبق گزارش کمیته پذیرش و نظارت بر موسسات حسابرسی معتمد بورس اوراق بهادار (۱۴۰۰)، تعداد ۲۳ نفر از شرکای موسسات حسابرسی ، مشمول رأی عدم امکان تصدی سمت شریک و مدیر گردیده که ۶ نفر از این تعداد، به دلیل صدور رأی انضباطی تعلیق عضویت توسط جامعه حسابداران رسمی ایران، مشمول رأی عدم امکان تصدی سمت شریک و مدیر شده اند. هم چنین در این گزارش اشاره شده است که تعداد موسسات حسابرسی معتمد بورس از ۱۰۹ موسسه در سال ۱۳۹۱ به ۵۴ موسسه در سال ۱۴۰۰ تقلیل یافته است. این شواهد بیانگر آن است که رعایت اخلاق و رفتار حرفه ای در حرفه حسابرسی کشور در هاله ای از ابهام قرار دارد. از این رو، با توجه به اهمیت رعایت اخلاق در حرفه حسابرسی، هم چنین فقدان پژوهش کافی درباره بی تفاوتی اخلاقی در میان حسابرسان، این انگیزه در نویسندگان مقاله حاضر ایجاد شد تا ارتباط میان سلطه اجتماعی و بی تفاوتی اخلاقی را مورد مطالعه قرار دهند. بی تفاوتی اخلاقی^۱، مفهومی است که بیان کننده نوعی بی توجهی و عدم پایبندی به قوانین، هنجارها و استانداردهای اخلاقی است. مطالعات در حوزه فساد و رسوایی های مالی نشان می دهد بی تفاوتی اخلاقی حسابرسان ، می تواند عاملی بر تنزل کیفیت حسابرسی و در نتیجه منجر به بی اعتبار شدن حرفه حسابرسی گردد(ایسلر، ۲۰۱۷). از این رو ، می توان استدلال نمود عدم رعایت موازین اخلاق حرفه ای توسط برخی از حسابرسان ، ناشی از بی تفاوتی اخلاقی آن ها است. تا آنجا که نتایج پژوهش های انجام شده در زمینه بی تفاوتی اخلاقی نشان می دهند افراد با بی تفاوتی اخلاقی بالا ، معمولاً مسئولیت های اجتماعی خود را به درستی انجام نمی دهند. آن ها با استفاده از مکانیزم های خاصی با تخلفات و کارهای خلاف خود کنار می آیند و سعی می کنند برای کنار آمدن با کارهای غیر اخلاقی خود و برای این که کمتر احساس گناه کنند، دلایل و توجیهاتی بیآورند(بندورا، ۱۹۹۹).

از دیدگاه علمی یکی از عوامل شکل دهنده بی تفاوتی اخلاقی ، عوامل و ویژگی های فردی است (رنگیفو و لهام ، ۲۰۲۲) . سلطه اجتماعی^۲ به عنوان یکی از ویژگی های فردی، نشان می دهد که یک فرد تا چه اندازه به سلسله مراتب اجتماعی گروه ها اعتقاد دارد. اگر فردی به عدم

¹Moral Dis-engagement

² Social Dominance

تساوی و عدالت میان گروه های اجتماعی اعتقاد داشته باشد، سلطه اجتماعی در او بالا است. به عقیده این فرد، دنیا یک بازی برد و باخت است. اگر او موفق نشود، فرد دیگری موفق خواهد شد. از این رو، این گونه افراد سعی می کنند تا موقعیت های برتر را اشغال نمایند، تا این موضوع به نفع خود و به ضرر دیگران شود. افراد با ویژگی سلطه اجتماعی بالا معمولاً رفتارهای اخلاقی را کمتر درک می نمایند و توجهی به رعایت اخلاق ندارند. زیرا آن ها روی چیزهایی متمرکز می شوند تا به اهداف و منافع خود حتی به ضرر دیگران دست یابند (پراتو و همکاران، ۲۰۰۶).

مطالعات رفتار سازمانی در حرفه حسابرسی نشان می دهد که سلطه اجتماعی میان حسابرسان وجود دارد (موسوی کاشی و زاهدی قره بابا، ۱۳۹۵). نتایج این مطالعات بیانگر آن است که از میان چهار سبک رهبری دستوری، استدلالی، مشارکتی و تفویضی؛ سبک رهبری غالب، سبک دستوری (آمرانه و سلطه گر) است. این سبک تاثیر منفی بر کارایی و اثر بخشی نیروی انسانی شاغل در موسسات حسابرسی و در نتیجه بر کیفیت کار حسابرسی می گذارد (موسوی کاشی و زاهدی قره بابا، ۱۳۹۵). مدیرانی که سبک دستوری بالا دارند، بسیار سلسله مراتبی و سلطه گر هستند. نظرات کارکنان سازمان بر تصمیم گیری آن ها اثری ندارد. این دسته از مدیران، کارکنان سازمان را مسئول اشتباهات سازمانی می دانند و از پذیرش مسئولیت آن شانه خالی می کنند. سبک رهبری سلطه گر باعث گسترش تبعیض در سازمان می شود و رفتارهای ناکارآمد و غیر اخلاقی را تقویت می نماید (هرسی و بلانچارد، ۱۳۷۵، ص ۱۵۲). در تایید این موضوع، شواهد نشان می دهد سبک های رهبری، تأثیری انکار ناپذیر بر رفتارهای اخلاقی حسابرسان دارند (فیض آبادی و همکاران، ۱۳۹۶). بنابراین آن چه گفته شد، هدف اصلی این پژوهش معرفی نظریه سلطه اجتماعی و بررسی اهمیت آن در رعایت اخلاق در حرفه حسابرسی می باشد. در نهایت، این پژوهش قصد دارد تا به این پرسش بپردازد که تا چه اندازه گرایش به سلطه اجتماعی در حسابرسان بر بی تفاوتی اخلاقی آن ها تاثیرگذار است؟

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

نظریه سلطه اجتماعی به عنوان «میزان تمایل و حمایت افراد از سلسله مراتب گروهی و تسلط گروه های فرودست توسط گروه های برتر» تعریف می شود (پراتو و همکاران، ۲۰۰۶). این نظریه برای پیش بینی رفتارهای بین گروهی است. افرادی که تمایل به سلطه اجتماعی بالا دارند، مایل هستند تا روابط اجتماعی به صورت سلسله مراتبی، سازماندهی گردد. زیرا این امر موجب ایجاد انگیزه و ارتقای موقعیت برتر فرد یا گروه خاصی می شود. بنابراین، می توان گفت کسانی که سلطه اجتماعی بالا دارند معمولاً به عضویت نهادها در می آیند. آن ها نقش هایی را انتخاب می کنند که نابرابری اجتماعی را حفظ یا افزایش دهد. اما افرادی که سلطه اجتماعی

پایین تری دارند، خود را متعلق به نهادها می دانند و نقش هایی را انتخاب می کنند که نابرابری را کاهش دهد. افراد با تمایل سلطه اجتماعی بالا، دنیا را یک بازی برد و باخت می دانند. به عقیده آن ها اگر موفق نشوند، افراد و گروه دیگری موفق خواهند شد. از این رو، این گونه افراد سعی می کنند تا موقعیت های برتر را اشغال نمایند، تا این موضوع منجر به ضرر دیگران و به نفع آن ها گردد. سلطه اجتماعی بالا موجب افزایش رفتارهای غیر اخلاقی می گردد (پراتو و همکاران، ۲۰۰۶).

سلطه اجتماعی، محرک طیفی از نگرش های سیاسی-اجتماعی، از جمله محافظه کاری، اقتدارگرایی، تبعیض و تعصب است (داکیت و سیبلی، ۲۰۰۹). مطالعات نشان داده است با افزایش سلطه اجتماعی مدیران، اقتدارگرایی^۱ مدیران افزایش و فاصله قدرت میان مدیران و کارکنان بیشتر می شود. این امر باعث می شود تعلق خاطر کارکنان به سازمان کاهش یابد (قاسمی و برندگی، ۱۳۹۰).

هم چنین در سازمان هایی که مدیران سلطه اجتماعی پایین دارند معمولاً کارکنان سازمان، به رهبران خود علاقه دارند و این امر اعتماد به نفس و وفاداری کارکنان به سازمان را افزایش و رفتارهای غیر اخلاقی کارکنان را کاهش می دهد (بدی، ۲۰۲۰). همچنین پژوهش های انجام شده در حوزه مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت نشان می دهد که سلطه یک گروه از ذینفعان بر رابطه میان شرکت و ذینفعان آن، باعث تضعیف منافع سایر گروه های ذینفع می گردد. این موضوع در نهایت موجب تشدید شکاف میان گروه های مختلف ذینفعان واحد تجاری گردیده و بی عدالتی و تضاد منافع را میان همه گروه های ذینفع، گسترش می دهد (اوروژوا، ۲۰۲۲).

بی تفاوتی اخلاقی

برخی افراد، استانداردها و معیارهایی را برای رفتارهای اخلاقی خود دارند. این استانداردها رفتار خوب را هدایت و از رفتار بد جلوگیری می کنند. در واقع، افراد استانداردهای شخصی خود را برای پیش بینی، نظارت و قضاوت درباره اعمال خود استفاده می کنند. بنابراین، افراد معمولاً به گونه ای رفتار می کنند که با اخلاق درونی آنها سازگار است. بی تفاوتی اخلاقی موجب می شود تا افراد بدون آن که احساس گناه نمایند و یا خود را سرزنش کنند، استاندارد و معیارهای های اخلاقی را نقض نمایند. بنابراین بی تفاوتی اخلاقی، افراد را به انجام رفتارهای غیر اخلاقی سوق می دهد (دیترت، ۲۰۰۸). اشخاص با ویژگی بی تفاوتی اخلاقی بالا، معمولاً کارهای غیر اخلاقی خود را توجیه می کنند. مثلاً استخدام کودکان، امری غیر اخلاقی است و کارفرمایان نباید کودکان را استخدام نمایند. زیرا کار کردن ممکن است موجب آسیب پذیری آنان شود.

¹ authoritarianism

استدلال و توجیه افرادی که از کودکان کار سوء استفاده می نمایند آن است که این کودکان بیشتر از خانواده های فقیر هستند و هدف از استخدام آن ها ، کمک به خانواده های آنان است (دیترت ، ۲۰۰۸).

از دیگر ویژگی افراد با بی تفاوتی اخلاقی بالا، آن است که از زبان خوشایند و زبان اخلاقی خنثی استفاده می کنند تا رفتار مذموم را کمتر مضر یا حتی خوب جلوه دهند. مثلاً دروغ گویی و فریب رقبا در بازار را نوعی استراتژی تجاری جلوه می دهند. هم چنین بی تفاوتی اخلاقی باعث می گردد تا افراد رفتار خود را با رفتارهای غیراخلاقی دیگران مقایسه تا رفتار خود را قابل قبول نشان دهند. به عنوان نمونه، دانش آموزی از امتحان درس ریاضی نمره ۸ گرفته است، او نمره خود را با نمره ۲ دوست خود مقایسه، و نمره خود را بیشتر از دوست خود و قابل قبول جلوه می دهد. عدم مسئولیت پذیری، عدم پذیرش پیامدهای مسئولیت و هم چنین تحریف آن پیامدها از سایر ویژگی های بی تفاوتی اخلاقی در افراد است. مثلاً فردی بگوید که این کار را به دستور مقامات بالاتر خود انجام داده است. یا فرد بگوید نتیجه کار او، حاصل یک تصمیم گروهی بوده است (بندورا ، ۱۹۹۹).

● پیشینه پژوهش های خارجی

پژوهش های انجام شده در حوزه سلطه اجتماعی، طیف گسترده ای دارد. در این مقاله تنها نتایج پژوهش های مرتبط با موضوع سلطه اجتماعی و اخلاق آورده می شود.

ویلسون (۲۰۰۳) در اولین پژوهش درباره سلطه اجتماعی و جهت گیری اخلاقی ، نشان داد سلطه اجتماعی رابطه ای مثبت با نسبی گرایی اخلاقی و رابطه ای منفی با ایده آل گرایی اخلاقی دارد. او نتیجه می گیرد سلطه اجتماعی بالا باعث می شود تا افراد برای رسیدن به اهداف خود ، هر نوع بی اخلاقی را توجیه نمایند.

هانت و ویتل (۲۰۰۶) نیز معتقدند رفتارهای غیراخلاقی افراد در جامعه، ریشه در عوامل فردی و محیطی یعنی بافت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارد. به عقیده آن ها بدگمانی اجتماعی، تسلط اجتماعی در افراد را تقویت می نماید و از این رو رفتارهای غیراخلاقی نیز افزایش خواهد یافت.

نتایج یافته های پیفو همکاران (۲۰۱۲) نیز بیانگر آن است سلطه و قدرت اجتماعی موجب نقض قوانین اجتماعی می شود و در نتیجه رفتارهای غیراخلاقی در جامعه تقویت می گردد.

موچان و همکاران (۲۰۱۵) در مقاله ای نشان دادند اقتدارگرایی و سلطه جویی باعث می شود تا افراد قصد بیشتری برای همکاری در فعالیت های غیراخلاقی داشته باشند و توانایی آنها را برای شناسایی معضلات اخلاقی کاهش می دهد.

تن و همکاران (۲۰۱۶) معتقدند سلطه اجتماعی انگیزه قدرت را در افراد افزایش می دهد. از این رو، ریاکاری و استبداد در افراد تقویت و در نهایت فساد قابل توجهی می شود. آن ها دریافتند سلطه اجتماعی و اقتدارگرایی رابطه ای مستقیم با فساد دارد و با افزایش این دو نگرانی اخلاقی^۱ کاهش می یابد.

الکساندرا و همکاران (۲۰۱۷) در یک مطالعه تطبیقی میان کشورهای آمریکا، روسیه و پرتقال دریافتند در هر سه کشور بدگمانی اجتماعی در افراد، گرایش به سلطه اجتماعی را تقویت می نماید و این موضوع باعث افزایش رفتارهای غیراخلاقی می گردد. به عقیده آن ها محیط هایی مانند مدرسه، دانشگاه، ادارات و سازمان ها، رفتارهای اجتماعی افراد را شکل می دهند. از این رو، لازم است تا در این محیط ها ، فرصت های برابری به منظور جلب اعتماد، بهبود فرهنگ مشارکت و برقراری عدالت میان افراد برقرار شود.

الکساندرا و همکاران (۲۰۱۷) در یک مطالعه تطبیقی میان کشورهای آمریکا، روسیه و پرتقال دریافتند در هر سه کشور بدگمانی اجتماعی در افراد، گرایش به سلطه اجتماعی را تقویت می نماید و این موضوع باعث افزایش رفتارهای غیراخلاقی می گردد. به عقیده آن ها محیط هایی مانند مدرسه، دانشگاه، ادارات و سازمان ها، رفتارهای اجتماعی افراد را شکل می دهند. از این رو، لازم است تا در این محیط ها، فرصت های برابری به منظور جلب اعتماد، بهبود فرهنگ مشارکت و برقراری عدالت میان افراد برقرار شود.

رم و کان وی (۲۰۱۸) طی پژوهشی از ۲۰۰ نفر از مردم آمریکا نشان دادند قضاوت اخلاقی افراد به ویژگی شناختی اجتماعی آن ها وابسته است. تعامل ویژگی های شخصیتی و اجتماعی موجب بروز رفتارهای اخلاقی در افراد می گردد.

هم چنین به عقیده شول و همکاران (۲۰۱۸) اشخاص با احساس قدرت و سلطه بالا، معمولاً رفتارهای تهاجمی و استثمارگر با زیردستان خود دارند. این دسته از اشخاص معمولاً قدرت را یک فرصت می دانند و از زیر بار مسئولیت شانه خالی می کنند. آن ها رفتارهای خودپسندانه دارند و در راستای منافع شخصی خود عمل می نمایند.

براونچینو همکاران (۲۰۱۹) نشان دادند سلطه اجتماعی پیامدهایی چون خودشیفتگی، غرور متعصبانه، حس استحقاق، عدم احساس ترس، حس آسیب ناپذیری و انجام رفتارهای پر خطر غیر اخلاقی به همراه دارد که همه این پیامدها منجر به بروز رفتارهای غیر اخلاقی در افراد می گردد.

¹ Moral Outrage

فلیشمن و لامرز (۲۰۲۰) در بررسی خود دریافتند قدرت^۱، تمایل به ادغام شناخت و عاطفه، تمایل به تعمق در مورد نتایج (جهت گیری مشورتی) و تمایل به اتکا به قواعد اخلاقی در تصمیم گیری اخلاقی را افزایش می دهد. افراد صاحب قدرت تمایل دارند تا همه جوانب مشکلات اخلاقی را مشاهده نمایند و این باعث می شود عمیق تر در مورد موضوع مورد نظر فکر کنند. در عین حال، این موضوع ممکن است تصمیم گیری اخلاقی افراد صاحب قدرت را پیچیده تر و غیرقابل پیش بینی تر کند.

شواهد پژوهش کیم و گوینت (۲۰۲۱) تایید می نماید سلطه و قدرت با عدم صداقت رابطه ای مستقیم دارد. به عقیده آن ها افزایش عدم صداقت باعث می شود تا افراد وظایف خود را به درستی انجام ندهند، هنجارهای اجتماعی را نقض نمایند و بی تفاوتی اخلاقی در آن ها تقویت گردد.

لالوت و همکاران (۲۰۲۲) طی پژوهشی به این نتیجه رسیدند که گرایش به سلطه اجتماعی، مسئولیت پذیری اجتماعی را در افراد کاهش می دهد. زیرا اشخاصی که سطح سلطه اجتماعی در آن ها بالا است معمولاً عدالت اجتماعی و برابری میان گروه های اجتماعی را قبول ندارند. اسلام و همکاران (۲۰۲۲) دریافتند هر گاه کارکنان سازمان احساس کنند که از سوی مدیران خود تحت سلطه و نفوذ هستند، در آن صورت انگیزه کاری، تعهد شغلی و سازمانی در آن ها کاهش می یابد و تمایل به ترک سازمان در آن ها افزایش خواهد یافت. به اعتقاد آن ها، سلطه اجتماعی مدیران، رفتار اخلاقی مدیران با کارکنان را کاهش می دهد و این امر رضایت شغلی کارکنان را کاهش خواهد داد.

نتایج پژوهش لئاو و گومز (۲۰۲۲) در پرتغال نشان می دهد وظیفه شناسی یکی از شخصیت های اصلی حسابداران است. آن ها این ویژگی حسابداران را در میان گروه های شغلی، ویژگی پذیرفته شده ای از سوی جامعه می دانند، اما حسابداران به دلیل فقدان نفوذ و سلطه اجتماعی در مقایسه با سایر مشاغل، از جایگاه اجتماعی مناسب بی بهره هستند.

• پیشینه پژوهش های داخلی

طبق بررسی های نویسندگان مقاله، پیشینه پژوهش های مرتبط با سلطه اجتماعی و بی تفاوتی اخلاقی را می توان به دو گروه تقسیم نمود. گروه اول پیشینه پژوهش های انجام شده در خارج از رشته حسابداری و حسابرسی، و گروه دوم پیشینه پژوهش های مرتبط با رشته حسابداری و حسابرسی. در ادامه، به پیشینه این دو گروه از مطالعات پرداخته می شود.

¹ power

پیشینه پژوهش های سایر رشته ها

طبق بررسی های انجام شده ، محمدنژاد و شیخ الاسلامی (۱۳۹۸) به عنوان اولین پژوهش درباره بی تفاوتی اخلاقی نشان دادند هویت اخلاقی اثر مثبت بر رفتارهای غیرمولد تحصیلی دانشجویان ندارد. اما درونی سازی هویت اخلاقی تاثیر منفی بر بی تفاوتی اخلاقی دارد. آن ها تأیید می نمایند که بی تفاوتی اخلاقی بر رفتارهای غیرمولد تحصیلی تاثیر مثبت دارد. دهرویه و همکاران (۱۳۹۸) طی مطالعه ای دریافته اند ویژگی های روانشناختی از جمله، اعتماد به نفس، توانایی مدیریت استرس، توانایی های روانی و هوش هیجانی در نوع تصمیم های اتخاذ شده توسط مدیران مالی اثر گذار می باشد. قلاوندی و کوشکی (۱۳۹۹) در تحلیل کانونی شجاعت اخلاقی حرفه ای با سرمایه اجتماعی نشان دادند مولفه های شجاعت اخلاقی حرفه ای بر مولفه های سرمایه اجتماعی تاثیر مستقیم دارند. برای افزایش سرمایه اجتماعی در سازمان باید زمینه بروز شجاعت اخلاقی حرفه ای را در کارکنان ایجاد و تقویت نمود.

پیشینه پژوهش های حرفه حسابداری

حسینی و همکاران (۱۳۹۹) طی مطالعه ای از نمونه ای از حسابرسان شاغل در موسسات حسابرسی، نشان دادند تضعیف اجتماعی که یکی از شاخص های سلطه اجتماعی است بر سه مولفه از تردید حرفه ای یعنی ذهن پرشگر، وقفه در قضاوت و اعتماد به نفس حسابرسان تاثیر معنی دار و منفی می گذارد.

اسمعیلی کمارعلیا و همکاران (۱۳۹۹) در این تحقیق تاثیر متغیرهای روانشناختی ماکیاولیسم و دستکاری هیجانی بر اجتناب مالیاتی در دو گروه از زنان و مردان حسابداری مورد بررسی قرار می دهند. نتایج این تحقیق نشان می دهد در نمونه آماری زنان، ماکیاولیسم رابطه ای معنی دار با اجتناب مالیاتی ندارد. اما دستکاری هیجانی رابطه معنی دار و مثبت با اجتناب مالیاتی دارد. هم چنین در نمونه مردان، نتایج عکس است. در این نمونه، ماکیاولیسم رابطه ای مستقیم و معنی دار با اجتناب مالیاتی دارد. اما دستکاری هیجانی رابطه ای معنی دار با اجتناب مالیاتی ندارد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که در هر دو گروه زنان و مردان حسابداری، تمایل به اجتناب مالیاتی وجود دارد. اما عوامل روانشناختی متفاوتی در ایجاد آن تاثیر گذار هستند.

صادق پور و همکاران (۱۳۹۹) طی پژوهشی سلطه اجتماعی، ماکیاولیسم و دستکاری عاطفی را بر تمایل مدیران به مدیریت سود مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان می دهد سلطه اجتماعی، دستکاری عاطفی و ماکیاولیسم تاثیر مثبتی بر تمایل به مدیریت سود فرصت طلبانه دارد.

حقیقی فشی و همکاران (۱۳۹۹) در بررسی تاثیر ابعاد هنجارهای اجتماعی و شخصی بر تمکین مالیاتی دریافتند عوامل اجتماعی بر تمکین مالیاتی تاثیر غیرمستقیم دارند. هنجارهای اجتماعی از طریق درونی سازی به واسطه هنجارهای شخصی و روانشناختی به طور غیرمستقیم بر تمکین مالیاتی تاثیرگذار است.

شهبابی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی دریافتند عدالت سازمانی، تاثیر مثبت و معنی داری بر افشاگری اخلاقی تخلفات حسابرسان دارد. هم چنین آن ها تایید می نمایند هر چه رتبه شغلی حسابرسان افزایش یابد، افشاگری اخلاقی تخلفات در میان حسابرسان نیز بیشتر می شود. در این پژوهش پیشنهاد می شود برای افزایش گزارش تخلفات در حرفه حسابرسی، موسسات حسابرسی باید عدالت سازمانی در این حرفه را بهبود دهند.

سپهوند و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند قلدری سازمانی در موجب کاهش اخلاق حرفه ای می شود. از سویی دیگر، قلدری سازمانی منجر به تشدید جو برتری جویی و رقابت طلبی در سازمان های دولتی می گردد.

نتایج پژوهش میرزایی و همکاران (۱۴۰۱) حاکی از آن است که هویت فردی و جمعی (سازمانی) متشکل از ارزش ها و عقاید افراد و نیز جهت گیری اخلاقی، علاوه بر تقویت احساس رضایتمندی و تعهد حرفه ای، می تواند مسئولیت پذیری افراد را نسبت به ذینفعان تحکیم بخشد. به طور خلاصه، بر اساس نتایج حاصل از پیشینه پژوهش های مرتبط می توان استدلال نمود که سلطه اجتماعی به عنوان یکی از ویژگی های فردی، می تواند بر طیف گسترده ای از تصمیم گیری های غیر اخلاقی نظیر اجتناب مالیاتی، تمکین مالیاتی، گزارشگری مالی متقلبانه، افشاگری تخلفات و امثالهم تاثیرگذار باشد. آن چه که در پژوهش های قبلی، مغفول باقی مانده است، بررسی ارتباط میان سلطه اجتماعی و بی تفاوتی اخلاقی است که در بخش بعدی مقاله، به عنوان فرضیه پژوهش آورده شده است.

۳- فرضیه پژوهش

طبق مبانی نظری سلطه اجتماعی بالا موجب افزایش رفتارهای غیر اخلاقی می گردد. افراد با تمایلات سلطه اجتماعی بالا به دنبال تصاحب موقعیت های برتر هستند. آن ها عقیده دارند کسب موقعیت و فرصت های مناسب موجب ارتقای منافع می شود و این موضوع به ضرر دیگران خواهد بود. جهت گیری سلطه اجتماعی، محرک اقتدارگرایی، تبعیض و تعصب است. این امر به نوبه خود موجب بی تفاوتی اخلاقی خواهد شد (داکیت و سیبلی، ۲۰۰۹). هم چنین مطالعات نشان می دهد که سلطه اجتماعی و اقتدارگرایی مدیران سازمانی رابطه ای مستقیم با بی تفاوتی اخلاقی دارد. هر چه اقتدار گرایی افزایش یابد، مسئولیت پذیری و پذیرش عواقب مسئولیت

کاهش و به بیان دیگر بی تفاوتی اخلاقی افزایش می یابد(مارتینز، ۲۰۲۰). سلطه اجتماعی انگیزه عدم مسئولیت پذیری ، فقدان همکاری و همدلی را افزایش می دهد. در نهایت این امر بی تفاوتی اخلاقی را گسترش می دهد(هون و بوچی، ۲۰۰۱). از این رو مطابق آن چه گفته شد می توان گفت که رابطه ای مستقیم میان سلطه اجتماعی و بی تفاوتی اخلاقی وجود دارد. بنابراین فرضیه پژوهش به صورت زیر نوشته می شود:

فرضیه : سلطه اجتماعی در حسابرسان رابطه ای مثبت و معنی دار با بی تفاوتی اخلاقی حسابرسان دارد.

۴-روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، از منظر هدف؛ به عنوان تحقیقات کاربردی و از نظر روش و جمع آوری اطلاعات جزء پژوهش های توصیفی و از نوع پیمایشی می باشد. در بخش میدانی، اطلاعات گردآوری شده در یک محیط واقعی یعنی حسابرسان شاغل در سازمان حسابرسی و موسسات حسابرسی، از ابزار پرسشنامه با طیف لیکرت استفاده شده است. نمونه پژوهش متشکل از کل حسابرسان در دسترس به روش نمونه گیری غیر احتمالی(در دسترس) انتخاب شدند.

با توجه به اینکه تعداد جامعه آماری این پژوهش نامشخص و نامعلوم فرض شده است. به این دلیل برای محاسبه حجم نمونه از رابطه (۲)، که در آن انحراف معیار (δ) برای داده های طیف لیکرت ۵ گزینه ای از رابطه (۱) محاسبه شده است. (مومنی و فعال قیومی، ۱۳۹۴). براساس رابطه (۲) تعداد نمونه حداقل ۱۷۰ نفر است

$$\delta \approx \frac{\text{Max}(xi) - \text{Min}(xi)}{6} = \frac{5-1}{6} = 0.667 \quad (1)$$

$$N = \frac{Z^2 \frac{\alpha}{2} \sigma^2}{\epsilon^2} = \frac{(1.96)^2 (0.667)^2}{(0.1)^2} = 170 \quad (2)$$

$\text{Max}(xi)$ و $\text{min}(xi)$: بزرگترین و کوچکترین مقادیر اختصاص داده شده به سوالات پرسشنامه

در طیف ۵ گزینه ای لیکرت

N: حجم نمونه

Z: مقدار احتمال نرمال استاندارد

δ : سطح خطا

E: دقت مورد نظر پژوهشگر(معمولا مقدار کمتر از ۱۰ درصد است)

پرسشنامه به صورت کاغذی تهیه شده و بین حسابرسان مورد نظر توزیع گردیده است. این پرسش نامه شامل دو بخش می باشد. بخش اول شامل مشخصات جمعیت (جنسیت، مدرک دانشگاهی، سابقه کاری، محل اشتغال است. بخش دوم پرسشنامه سوالات اصلی پژوهش، شامل ۱۶ سوال متغیر سلطه اجتماعی و ۸ سوال متغیر بی تفاوتی اخلاقی می باشد. برای اندازه گیری سلطه اجتماعی از پرسشنامه استاندارد پراتو و همکاران (۲۰۰۶) و برای سنجش بی تفاوتی اخلاقی از پرسشنامه استاندارد مور و همکاران (۲۰۱۲) استفاده گردیده است. در آغاز سوالات پرسش نامه به زبان فارسی ترجمه شده و روایی محتوا پرسشنامه، توسط طراحان، اساتید و خبرگان حوزه حسابداری و اخلاق و هم چنین مطالعات مختلف داخلی و خارجی، مورد تایید قرار گرفته است.

همان گونه که قبلاً گفته شد تعداد جامعه آماری در این پژوهش، نامشخص و نامعلوم فرض شده است. لذا حجم نمونه از روش نمونه گیری غیراحتمالی (در دسترس) قابل قبول می باشد. تعداد ۲۵۰ پرسشنامه به صورت کاغذی بین حسابرسان مورد نظر توزیع گردید که تعداد ۲۳۱ پرسشنامه تکمیل و دریافت شد. از این تعداد، ۲۲۹ پرسشنامه قابل استفاده بود و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

در این پژوهش به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل داده ها، از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS شماره ۲۶ انجام شده است. هم چنین به کمک این نرم افزار، از رگرسیون چند متغیره برای آزمون فرضیه استفاده شده است. مدل و متغیرهای پژوهش به صورت رابطه ۳ نوشته می شود:

$$Y = a_0 + a_1X_1 + a_2X_2 + a_3X_3 + a_4X_4 + a_5X_5 + \varepsilon \quad (3)$$

بی تفاوتی اخلاقی $Y =$

سطح تحصیلات $X_3 =$ جنسیت $X_2 =$ سلطه اجتماعی $X_1 =$

محل اشتغال $X_5 =$ تجربه کاری $X_4 =$

در این پژوهش متغیر وابسته بی تفاوتی اخلاقی و متغیر مستقل سلطه اجتماعی می باشد. هم چنین متغیرهای جنسیت، محل اشتغال، سطح تحصیلات و تجربه کاری به عنوان متغیرهای کنترل انتخاب شده اند. علت انتخاب این متغیرها آن است که در مطالعات رفتاری، متغیرهای مذکور از جمله متغیرهای اثرگذار بر رفتارهای اخلاقی افراد می باشند (اندرسن، ۲۰۱۰). این مطالعات تاکید دارند که تجربه کاری، جنسیت، محل اشتغال و سطح تحصیلات از یک گروه به گروه دیگر متفاوت بوده و از جمله عوامل مهم در بررسی ویژگی های رفتاری و سازمانی هستند) حیدر و همکاران (۱۳۹۷).

اطلاعات متغیرهای کنترل از طریق طرح سؤال در پرسشنامه جمع آوری شده است. در ادامه نحوه اندازه گیری آن ها توضیح داده می شود :

جنسیت : یک متغیر مجازی با مقدار یک و صفر است. اگر پاسخ دهنده مرد باشد مقدار آن یک و زن باشد صفر.

محل اشتغال : یک متغیر مجازی با مقدار یک و صفر است. اگر پاسخ دهنده شاغل در موسسات خصوصی باشد مقدار آن یک و شاغل در سازمان حسابرسی صفر.

سطح تحصیلات : یک متغیر رتبه ای با مقدار یک تا هفت است. اگر پاسخ دهنده دارای تحصیلات دیپلم باشد مقدار آن یک، دارای مدرک کاردانی و یا دانشجوی کارشناسی باشد مقدار آن دو؛ دارای مدرک کارشناسی باشد مقدار آن سه؛ دانشجوی کارشناسی ارشد باشد مقدار آن چهار؛ دارای مدرک کارشناسی ارشد باشد مقدار آن پنج؛ دانشجوی دوره دکتری باشد مقدار آن شش و دارای مدرک دکتری باشد مقدار آن هفت خواهد بود.

تجربه کاری : یک متغیر نسبی است و نشان دهنده تعداد سال هایی است که پاسخ دهنده در حرفه حسابرسی سابقه کار دارد.

۵- یافته های پژوهش

نتایج آمار در جدول شماره ۱ آورده شده است. میانگین سلطه اجتماعی برابر ۴۶/۳۲. بی تفاوتی اخلاقی برابر ۲۶/۳۷ و تجربه کاری برابر ۱۱/۵۳ سال است. این مقادیر، بالاتر از میانگین پاسخ های پرسشنامه است. به بیان دیگر ، می توان گفت سطح سلطه اجتماعی و بی تفاوتی اخلاقی در میان حسابرسان نمونه پژوهش، بالا است. با توجه به این که مقادیر میانه و میانگین نزدیک به هم می باشد ، لذا متغیرها دارای توزیع نرمال می باشند. کمینه و بیشینه سلطه اجتماعی به ترتیب ۱۶ و ۱۰۶، کمینه و بیشینه بی تفاوتی اخلاقی به ترتیب ۸ و ۵۶ است. هم چنین کمترین سابقه کار ۱ سال و بیشترین سابقه کار برابر ۳۱ سال می باشد.

جدول شماره ۱- آمار توصیفی

شرح	سلطه اجتماعی	بی تفاوتی اخلاقی	تجربه کاری
میانگین	۴۶/۳۲	۲۶/۳۷	۱۱/۵۳
میانه	۴۵	۲۶	۱۰
انحراف معیار	۱۴/۳۲۵	۸/۷۷۸	۷/۵۳۷
کمینه	۱۶	۸	۱
بیشینه	۱۰۶	۵۶	۳۱

هم چنین از کل مشارکت کنندگان این پژوهش ۷۳ نفر زن و بقیه مرد بوده که ۳۰ درصد آن ها در سازمان حسابرسی و ۷۰ درصد در موسسات خصوصی حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی اشتغال دارند. از نظر سطح تحصیلات ۵ درصد دارای مدرک تحصیلی کاردانی و یا دانشجوی کارشناسی، ۲۵ درصد دارای مدرک کارشناسی، ۱۶ درصد دانشجوی کارشناسی ارشد، ۳۷ درصد کارشناسی ارشد، ۱۱ درصد دانشجوی دوره دکتری و بقیه نیز دارای مدرک تحصیلی دکتری بوده اند.

برای تحلیل بیشتر آمار توصیفی، معنی داری تفاوت میانگین متغیرهای سلطه اجتماعی و بی تفاوتی اخلاقی به تفکیک جنسیت، محل اشتغال و سطح تحصیلات مورد بررسی قرار گرفت. نتایج میانگین ها در جداول شماره ۲ و ۳ گزارش شده است.

جدول ۲- میانگین سلطه اجتماعی و بی تفاوتی اخلاقی به تفکیک جنسیت و محل اشتغال

بی تفاوتی اخلاقی	سلطه اجتماعی	شرح	جنسیت
۲۶/۷۹	۴۶/۲۸	مردان	
۲۵/۴۷	۴۶/۴۰	زنان	
۲۶/۶۲	۴۵/۴۷	سازمان حسابرسی	محل اشتغال
۲۶/۲۵	۴۶/۶۸	موسسات حسابرسی خصوصی	حسابرس

جدول ۳- میانگین سلطه اجتماعی و بی تفاوتی اخلاقی به تفکیک سطح تحصیلات

بی تفاوتی اخلاقی	سلطه اجتماعی	سطح تحصیلات
۲۶/۷۰	۵۵/۳۰	کاردانی و دانشجوی کارشناسی
۲۶/۳۳	۴۷/۵۲	کارشناسی
۲۸/۲۹	۴۶/۶۶	دانشجوی کارشناسی ارشد
۲۶/۵۸	۴۴/۴۸	کارشناسی ارشد
۲۴/۴۰	۴۶/۴۸	دانشجوی دکتری
۲۳/۰۸	۴۴/۷۷	دکتری

از آنجایی که جنسیت و محل اشتغال متغیرهای اسمی با مقادیر یک و صفر هستند، لذا برای بررسی تفاوت میانگین ها از آزمون ناپارامتریک من ویتنی^۱ و ویلکاکسن^۲ استفاده می شود. هم

^۱ Mann-Whitney Test

^۲ Wilcoxon Test

چنین به دلیل این که سطح تحصیلات یک متغیر رتبه ای است، برای بررسی تفاوت میانگین در سطوح مختلف تحصیلی، آزمون ناپارمتریک کروسکال واریس^۱ بکار گرفته می شود. مطابق جدول شماره ۴ نتایج آزمون من ویتنی و ویلکاکسن نشان می دهد میانگین سلطه اجتماعی و بی تفاوتی اخلاقی میان زنان و مردان و هم چنین میان حسابرسان شاغل در سازمان حسابرسی و موسسات خصوصی حسابرسی تفاوت معنی داری با هم ندارند. زیرا سطح معنی داری نتایج آزمون مذکور بالای پنج درصد است.

جدول ۴- آزمون تفاوت میانگین ها به تفکیک جنسیت و محل اشتغال حسابرس

شرح	محل اشتغال حسابرس		جنسیت	
	سلطه اجتماعی	بی تفاوتی اخلاقی	سلطه اجتماعی	بی تفاوتی اخلاقی
آماره من ویتنی	۵۳۴۴/۵	۵۰۲۳/۵	۵۶۲۳/۵	۵۱۹۸/۵
آماره ویلکاکسن	۷۶۹۰/۵	۱۸۰۶۴/۵	۱۷۸۶۹/۵	۷۸۹۹/۵
آماره Z	-۰/۲۸۳	-۰/۹۸۴	-۰/۱۵۱	-۱/۰۶۲
سطح معنی داری	۰/۷۷۷	۰/۳۲۵	۰/۸۸۰	۰/۲۸۸

نتایج آزمون کروسکال واریس نیز طبق جدول شماره ۵ بیانگر آن است میانگین سلطه اجتماعی و بی تفاوتی اخلاقی در سطوح مختلف تحصیلی تفاوت معنی داری با هم ندارند. زیرا سطح معنی داری نتایج آزمون مذکور، بالای پنج درصد است.

جدول ۵- آزمون تفاوت میانگین ها به تفکیک تحصیلات

شرح	سلطه اجتماعی	بی تفاوتی اخلاقی
آماره کروسکال واریس	۶/۵۰۹	۲/۹۷۱
درجه آزادی	۵	۵
سطح معنی داری	۰/۲۶۰	۰/۷۰۴

نتایج آزمون فرضیه

قبل از انجام آزمون فرضیه پژوهش که بر اساس رگرسیون چند متغیره مورد آزمون قرار گرفته است، پیش فرض های رگرسیون ، مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پیش فرض ها در جدول شماره ۶ آورده شده است. طبق این جدول ، آماره کلموگروف - اسمیرنوف مقادیر باقی مانده برابر ۰۰۰۹۱ و سطح معنی داری آن ۲۰ درصد است. این موضوع نشان می دهد که مقادیر باقی مانده مدل رگرسیون دارای توزیع نرمال است. هم چنین مقدار آماره دوربین -واتسن نیز بیانگر آن است که خودهمبستگی میان مقادیر باقی مانده وجود ندارد. عامل تورم واریانس نیز نشان می

¹ Kruskal-Wallis Test

دهد که هم حرکتی میان متغیرهای توضیحی مدل وجود ندارد. نتایج آزمون فرضیه طبق جدول شماره ۶ نشان می‌دهد سطح معنی داری متغیر سلطه اجتماعی برابر صفر یعنی کمتر از پنج درصد است. لذا با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان ادعا نمود رابطه ای معنی دار میان سلطه اجتماعی و بی تفاوتی اخلاقی وجود دارد. از آنجایی که ضریب متغیر سلطه اجتماعی مثبت می‌باشد، رابطه مذکور مثبت و مستقیم است. به عبارت دیگر، با افزایش سطح سلطه اجتماعی در حساب‌رسان، بی تفاوتی اخلاقی در آن‌ها افزایش می‌یابد. هم چنین جدول شماره ۶ بیانگر آن است، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، متغیرهای جنسیت، سطح تحصیلات، محل اشتغال و تجربه کاری رابطه ای معنی دار با بی تفاوتی اخلاقی ندارند. زیرا سطح معنی داری متغیرهای مذکور بیش از پنج درصد است.

لازم به ذکر است که ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۲۵ درصد است، یعنی تنها ۲۵ درصد از بی تفاوتی اخلاقی، توسط سلطه اجتماعی تبیین می‌شود و بقیه ناشی از سایر عواملی است که در این پژوهش دیده نشده است. آماره تورم واریانس کمتر از پنج و نزدیک عدد یک می‌باشد. این موضوع بیانگر آن است میان متغیرهای توضیحی یعنی سلطه اجتماعی، جنسیت، سطح تحصیلات، محل اشتغال و تجربه کاری خود همبستگی حاد وجود ندارد.

جدول شماره ۶ - نتایج آزمون فرضیه

شرح	ضرایب	آماره t	سطح معنی داری	عامل تورم واریانس
مقدار ثابت	۱۱/۱۴۷	۳/۲۴۶	۰/۰۰۱	-
سلطه اجتماعی	۰/۳۳۲	۷/۹۷۴	۰/۰۰۰	۱/۰۴۱
جنسیت	۱/۶۲۸	۱/۲۶۵	۰/۲۰۷	۱/۰۷۴
سطح تحصیلات	-۰/۰۹۰	-۰/۱۷۲	۰/۸۶۴	۱/۲۰۲
تجربه کاری	-۰/۰۲۸	-۰/۳۰۶	۰/۷۶۰	۱/۴۶۴
محل اشتغال	-۰/۴۰۲	-۰/۲۹۹	۰/۷۶۵	۱/۱۸۶
آماره F	۱۳/۹۲۵		۰/۰۰۰	
ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۲۵		آماره دوربین - واتسن = ۱/۶۱۵		
آماره کلموگروف - اسمیرنوف مقادیر باقی مانده برابر ۰/۰۹۱ و سطح معنی داری آن ۲۰ درصد است				
متغیر وابسته: بی تفاوتی اخلاقی				

۶- نتیجه گیری و بحث

با توجه به اهمیت و جایگاه اخلاق در حرفه حسابرسی، این پژوهش رابطه میان سلطه اجتماعی و بی تفاوتی اخلاقی در میان حساب‌رسان شاغل در حرفه حسابرسی مورد بررسی قرار داد. بی

تفاوتی اخلاقی به معنی نوعی بی توجهی و عدم پایبندی نسبت به قوانین، هنجارها و استانداردهای اخلاقی است. بی تفاوتی اخلاقی موجب می شود تا افراد در انجام مسئولیت های اجتماعی خود کوتاهی کنند و مرتکب رفتاری غیر اخلاقی شوند. از طرف دیگر، افراد با سلطه اجتماعی بالا به دنبال تسلط بر دیگران در راستای افزایش منافع شخصی خود هستند و برای رسیدن به این هدف، رفتارهای غیر اخلاقی را بر می گزینند. نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد فارغ از جنسیت، سطح تحصیلات، تجربه کاری و محل اشتغال، رابطه ای مستقیم و معنی داری میان سلطه اجتماعی و بی تفاوتی اخلاقی میان حسابرسان وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش سطح سلطه اجتماعی در حسابرسان شاغل در حرفه حسابرسی، بی تفاوتی اخلاقی نیز افزایش می یابد. این موضوع با نتایج پژوهش هون و بوچی (۲۰۰۱)، مارتینز (۲۰۲۰)، لالوت و همکاران (۲۰۲۲) و رم و کان وی (۲۰۱۸) مطابقت دارد. آن ها بر این نکته تاکید دارند که با افزایش سطح سلطه اجتماعی در افراد، مسئولیت پذیری اجتماعی در آن ها کاهش می یابد و در نهایت این موضوع موجب گسترش بی تفاوتی اخلاقی می شود.

حسابرسان مسئولیت اعتبار بخشی به صورت های مالی را در راستای حفظ منافع عموم به عهده دارند و باید برای انجام این مسئولیت، اخلاق حرفه ای را رعایت نمایند. لذا بی تفاوتی اخلاقی در میان حسابرسان جایز نیست. رعایت اخلاق توسط حسابرسان یک نیاز اساسی و بسیار مهم است و فقدان آن با هیچ امتیاز دیگری قابل جبران نیست. در سال های اخیر ، جامعه حسابداران رسمی در احکام انتظامی خود، عضویت برخی از شرکای حسابرسی را تعلیق نموده است. این قضیه حکایت از بی تفاوت بودن حسابرسان نسبت به رعایت اخلاق و یا فقدان اخلاق حرفه ای دارد^۱. یافته های مقاله حاضر بر این مطلب تاکید دارد که سلطه گری اجتماعی در حسابرسان می تواند بر رفتارهای ضد اخلاق در حرفه حسابرسی بیافزاید. سلطه گری اجتماعی می تواند بی تفاوتی اخلاقی نسبت به منافع عموم را در میان حسابرسان افزایش و در نهایت حرفه حسابرسی را به فساد سوق دهد. این موضوع خسارت های جبران ناپذیری را برای شهرت و اعتبار موسسات حسابرسی و شرکای آن ها به وجود خواهد آورد.

شواهد این پژوهش تایید می نماید ویژگی های رفتاری و اخلاقی حسابرسان تحت تاثیر ویژگی های جامعه شناختی یعنی نگرش و طرز تفکر اجتماعی آنان است. اگر گرایش به سلطه اجتماعی را به عنوان یک نگرش و طرز فکر بدانیم در آن صورت باید گفت که رفتار اخلاقی حسابرسان، علاوه بر عوامل فردی به الگوهای فکری جامعه نیز وابسته است. نویسندگان مقاله اعتقاد دارند

^۱ - رجوع شود به سایت جامعه حسابداران رسمی ، بخش نظارت حرفه ای ، مشاهده آخرین احکام انتظامی در جریان اجرا

که با بهبود الگوهای فکری - اجتماعی می توان مسئولیت پذیری و رعایت اخلاق را در میان مردم جامعه از جمله حسابرسان تقویت نمود. به بیان دیگر ، توسعه اخلاقی حرفه حسابرسی به توسعه اجتماعی بستگی دارد. از این رو، از آنجا که حسابرسان نقش با اهمیتی در اطمینان بخشی نسبت به صحت اطلاعات حسابداری به استفاده کنندگان آن اطلاعات دارند، لذا پیشنهاد می شود تا قانون گذاران در حرفه حسابرسی، سیاست گذاری های مناسبی از جمله آموزش و نظارت بر رفتار اجتماعی حسابرسان اتخاذ نمایند. هم چنین پیشنهاد می شود تا جامعه حسابداران رسمی در دوره آموزشی خود، موضوع آموزش اخلاق به حسابرسان را بگنجانند.

تعمیم نتایج پژوهش به نمونه های دیگر در زمان های آتی یکی از محدودیت های اصلی این پژوهش است که باید با احتیاط صورت گیرد.

۸- تقدیر و تشکر و ملاحظه های اخلاقی

بدین وسیله مراتب قدردانی و سپاس خود را از تمامی افرادی که خالصانه در انجام پژوهش حاضر یاری پرسشنامه تحقیق را تکمیل نمودند، ابراز می نمایم.

پیوستها:

پرسشنامه سلطه اجتماعی

پرسش نامه حاضر یک پروژه تحقیقاتی در حوزه تحقیقات رفتاری درباره حسابرسی به منظور تکمیل رساله دکتری می باشد. امید است با مشارکت جنابعالی در تکمیل پرسش نامه؛ نتایج آن را بتوان برای جامعه حسابداران رسمی ارسال نمود . لطفا برای پاسخ دادن، هرکدام از عبارات ها را بخوانید و جلویی گزینه مناسب علامت گذاری کنید.

کاملاً مخالف	مخالف	نظری ندارم	موافق	کاملاً موافق	سوالات پرسشنامه سلطه اجتماعی عدد ۱ بیشترین مخالفت و عدد ۵ بیشترین موافقت را نشان می دهد
۱	۲	۳	۴	۵	برخی از مردم ، نسبت به دیگران از نظر طبقاتی پایین تر هستند.
۱	۲	۳	۴	۵	برای دستیابی به آنچه که گروه شما می خواهد، گاهی ضروری است از زور علیه سایر گروه ها استفاده کنید.
۱	۲	۳	۴	۵	به عقیده من، مشکلی نیست که در زندگی ، برخی گروه ها و افراد شانس بیشتری نسبت به گروه های دیگر داشته باشند.
۱	۲	۳	۴	۵	برای پیشرفت در زندگی ، گاهی اوقات ، باید جلوی پیشرفت گروه های دیگر را گرفت.
۱	۲	۳	۴	۵	اگر گروه های خاصی از مردم در جایگاه خود باقی بمانند ، در آن صورت ما مشکلات کمتری خواهیم داشت

۱	۲	۳	۴	۵	این که گروه های خاصی در رأس امور قرار گیرند و بقیه نیز در جایگاه پایینی باشند؛ فکر خوبی است.
۱	۲	۳	۴	۵	گروه های فرو دست باید در جایگاه خود باقی بمانند.
۱	۲	۳	۴	۵	گاهی اوقات باید گروه های دیگر را در جایگاه خود نگه داشت.
۱	۲	۳	۴	۵	این چیزی خوبی است که برابری و مساوات میان همه گروه ها برقرار باشد.
۱	۲	۳	۴	۵	تساوی گروه ها باید اندیشه ایده آل ما باشد.
۱	۲	۳	۴	۵	همه گروه ها باید شانس مساوی برای زندگی داشته باشند.
۱	۲	۳	۴	۵	باید کاری کنیم تا گروه های مختلف از شرایط مساوی برخوردار باشند.
۱	۲	۳	۴	۵	ما باید عدالت اجتماعی را افزایش دهیم.
۱	۲	۳	۴	۵	اگر با گروه های اجتماعی مختلف با مساوات بیشتری برخورد می کردیم، در آن صورت مشکلات ما کمتر بود.
۱	۲	۳	۴	۵	باید سعی کنیم درآمدها حتی الامکان برابر باشند.
۱	۲	۳	۴	۵	هیچ گروهی اجتماعی به تنهایی نباید بر جامعه تسلط داشته باشد.

پرسشنامه بی تفاوتی اخلاقی

لطفا برای پاسخ دادن، هر کدام از عبارت ها را بخوانید و جلویی گزینه مناسب علامت گذاری کنید.

کاملاً مخالف	مخالف	نظری ندارم	موافق	کاملاً موافق	سئوالات پرسشنامه بی تفاوتی اخلاقی عدد ۱ بیشترین مخالفت و عدد ۵ بیشترین موافقت را نشان می دهد
۱	۲	۳	۴	۵	اشکالی ندارد که برای دفاع از کسانی که به آنها اهمیت می دهید، شایعه پراکنی کنید
۱	۲	۳	۴	۵	اشکالی ندارد اگر بدون اجازه همسایه مان ، برای مدت کوتاهی ؛ دارایی او را به تملک در آوریم (مثلا در غیاب او، از پارکینگ او استفاده کنیم)
۱	۲	۳	۴	۵	ممکن است برخی افراد ، خود را بر خلاف آن چه که هستند ، معرفی و نشان دهند ؛ بنابراین افزایش اعتبار و شهرت از این طریق غیر اخلاقی است.
۱	۲	۳	۴	۵	از آنجایی که کارهای انجام شده توسط افراد طبق دستور یک مقام بالاتر است، از این رو، افراد نباید به خاطر انجام هر کاری پاسخگو باشند.
۱	۲	۳	۴	۵	در مواردی که فردی کاری اشتباه را از دوستان و همکاران خود می آموزد ؛ نباید او را سرزنش کرد.
۱	۲	۳	۴	۵	کسب شهرت و اعتبار شخصی از ایده هایی که متعلق به شما نبوده است، مشکل بزرگی نیست.

۱	۲	۳	۴	۵	در صورتی که برخورد انطباطی با افراد موجب آسیب دیدن احساسات آن ها می شود، باید به طور نسبی با آنها رفتار شود.
۱	۲	۳	۴	۵	بد رفتاری با افراد نتیجه اعمال آن ها است.

فهرست منابع

- اسمعیلی کمار علیا، حسن؛ بنی مهد، بهمن؛ خردیار، سینا. (۱۳۹۹)، نقش جنسیت، ماکیاولیسم و دستکاری هیجانی در اجتناب مالیاتی، نشریه علمی حسابداری مدیریت، سال سیزدهم، شماره ۱۳، صص ۱-۱۲.
- حقیقی فشی، شیرین؛ بنی مهد، بهمن؛ اوحدی، فریدون؛ همتی، بهرام. (۱۳۹۹). بررسی تاثیر ابعاد هنجارهای اجتماعی و شخصی بر تمکین مالیاتی، فصلنامه علمی پژوهش دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۴۹-۵۱.
- حسینی، سید حسین؛ بنی مهد، بهمن؛ صفری، زهرا. (۱۳۹۹)، بررسی تاثیر دیدگاه های تردید حرفه ای حسابرس بر ارزیابی ریسک تقلب، با توجه به اثر مداخله کنندگی مهارت ارتباطی و تضعیف اجتماعی، دانش حسابداری. سال ۱۱، شماره ۲، صص ۷۱-۱۰۵.
- حیدر، مجتبی؛ رهنمای رودپشتی، فریدون؛ نیکومرام هاشم؛ بنی مهد بهمن. (۱۳۹۷)، جنسیت حسابرس و سبک های کارکردی تفکر: آزمون نظریه خود حکومتی ذهن، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، شماره ۲۵ صص ۱-۹.
- دهرویه، ابراهیم. اشرفی؛ مجید. گرنگلی دوجی، جمادوردی؛ خوزین، علی. (۱۴۰۰)، نقش ویژگی های روانشناختی- اجتماعی در تصمیم گیری های ودیران مالی: با توجه به نقش میانجی اخلاق حرفه ای، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال، صص ۱۴۲-۱۵۰.
- سازمان بورس اوراق بهادار. (۱۴۰۰) گزارش کمیته پذیرش و نظارت بر موسسات حسابرسی معتمد بورس اوراق بهادار، ص ۲۰، قابل دسترس در سایت: www.seo.ir
- سپهوند، رضا؛ عارف نژاد، محسن؛ فتحی چگنی، فریبرز؛ سپهوند، مسعود. (۱۴۰۰)، رابطه قلدری سازمانی و اخلاق حرفه ای، سال ۱۶، شماره ۲، صص ۸۱-۷۳.
- شهابی، سیده سنور؛ بنی مهد، بهمن؛ رضایی، فرزین. (۱۴۰۰)، عدالت سازمانی و افشاگری اخلاقی تخلفات در حرفه حسابرسی، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال شانزدهم، شماره ۲، صص ۱۵۶-۱۶۱.
- صادق پور، حسن؛ مرادزاده فرد، مهدی؛ همتی، بهرام. (۱۳۹۹)، نقش متغیرهای تسلط اجتماعی، ماکیاولیسم و دستکاری عاطفی بر مدیریت سود، فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، سال ۵، صص ۳۵۱-۳۸۳.

فیض آبادی ، فرشته ؛ طاهرآبادی، علی اصغر؛ خیرالهی، فرشید. (۱۳۹۶)، نقش دیدگاه اخلاقی در تعدیل اثر رهبری اصیل بر رفتارهای ناکارآمد حسابرسان ، دانش حسابرسی شماره ۶۷ ، صص ۱۸۵-۲۰۹.

قاسمی، وحید و برندگی، بدری. (۱۳۹۰). بررسی جامعه شناختی شخصیت قدرت طلب (مطالعه موردی: شهراصفهان). جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و دوم ، شماره پیاپی ۴۳ ، شماره سوم، صص ۲۳-۴۰.

قلاوندی، حسن و کوشکی، منیژه. (۱۳۹۹)، تحلیل کنونی شجاعت اخلاقی حرفه ای با سرمایه اجتماعی ، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری. سال ۲۶، شماره ۳، صص ۱۳۶-۱۴۲.

محمدنژاد، خاتون و شیخ الاسلامی، راضیه. (۱۳۹۸)، نقش واسطه عدم درگیری اخلاقی در رابطه بین هویت اخلاقی و رفتار غیرمولد تحصیلی، مجله مطالعات آموزش و یادگیری. دوره یازدهم، شماره دوم، صص ۲۶-۴۴.

مشهدی قره قیه، هادی. مراد زاده فرد، مهدی؛ فرقان دوست حقیقی، کامبیز؛ بنی مهد، بهمن. (۱۳۹۸). ماکیاولیسم، پول پرستی، فرهنگ مشتری مداری و خرید اظهار نظر حسابرسی از سوی صاحبکار، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۶۱-۱۷۳.

مومنی، منصور و فعال قیومی، علی. (۱۳۹۴)، تحلیل آماری با استفاده از SPSS . چاپ ۱۱. نشر وزیری.

میرزایی، مختار؛ پورزمانی، زهرا؛ بیات، علی. (۱۴۰۱)، ارزش های اخلاقی، هویت اجتماعی و ایدئولوژی اخلاقی با تاکید بر مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت ، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال ۱۸، صص ۱۷۹-۱۸۳.

موسوی کاشی ، زهره و زاهدی قره بابا ، داوود. (۱۳۹۵)، رابطه بین سبکهای رهبری و رضایت شغلی در حسابرسان شاغل در موسسات حسابرسی، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت ، شماره ۲۰ ، صص ۱۰۳-۱۱۶.

هرسی، پال و کنت، بلانچارد. (۱۳۷۵) مدیریت رفتار سازمانی (کاربرد منابع انسانی) ترجمه دکتر علی علاقه بند، چاپ دوازدهم، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر.

Andersen, J. 2010. Public versus Private Managers: How Public and Private Managers Differ in Leadership Behavior , Public Administration Review 70(1): 131-141

Bronchain, J, P. Raynal. and H,Chabrol. 2019. The network structure of psychopathic personality traits in a non-institutionalized sample. Personality and Individual Differences 146(2):41-45.

- Bedi, A. 2020. A meta-analytic review of paternalistic leadership, *Applied Psychology* 69(3): 960-1008.
- Bandura A. 1999. Moral disengagement in the perpetration of inhumanities. *Personality and Social Psychology Review* 3(3): 193–209.
- Duckitt, J, and C. Sibley. 2009. A dual-process motivational model of ideology, politics, and prejudice. *Psychological Inquiry* 20(2–3), 98–109.
- Detert, J, L. Treviño. And V. Sweitzer. 2008. Moral disengagement in ethical decision making: A study of antecedents and outcomes. *Journal of Applied Psychology* 93(2): 374- 391.
- Eutsler J. 2017. Examining Moral Disengagement as a Threat to Professional Skepticism . Electronic copy available at: <https://ssrn.com/abstract=2972187>
- Fleischmann, A, and J. Lammers. 2020. Power and moral thinking , *Current Opinion in Psychology* 33(2):23–27
- Heaven, P, and S. Bucci, S. 2001. Right-wing authoritarianism, social dominance orientation and personality: An analysis using the IPIP measure. *European Journal of Personality* 15(3): 49-56.
- Hunt, S, and S. Vitell. 2006. The general theory of marketing ethics: A revision and three questions. *Journal of Macro marketing* 26(2): 143–153.
- Islam, T, A. Sharif. and S. Jamil. 2022. Zooming into paternalistic leadership: evidence from high power distance culture, *European Journal of Management and Business Economics*, ol. ahead-of-print No. ahead-of-print. Available at : doi.org/10.1108/EJMBE-05-2021-0149
- Kim, K.H, and A. Guinote. 2021. Cheating at the Top: Trait Dominance Explains Dishonesty More Consistently Than Social Power , *Personality and Social Psychology Bulletin* 20(1):1–16.
- Leão, F, and D. Gomes. 2022. The stereotype of accountants: using a personality approach to assess the perspectives of laypeople, *Accounting, Auditing & Accountability Journal* 35 (9): 234-271.
- Lalot, F, M.Jauch. and D. Abrams. 2022. Look past the divide: Social dominance, authoritarianism, future thinking, and superordinate identity underlie the political divide on environmental issues, *Current Research in Ecological and Social Psychology* 3(4):25-41.
- Martins, S. 2020. Abusive supervision and moral disengagement: The role of ethical climate and team size [Dissertação de mestrado, Iscte - Instituto Universitário de Lisboa]. Repositório Iscte. Ph.D Dissertation:1-54.

- Mowchan, M., J. Low. And P. Reckers. 2015. Antecedents to Unethical Corporate Conduct: Characteristics of the Complicit Follower. *Behavioral Research in Accounting*, 27(2):95-126.
- Moore, C., R. Detert, L. Treviño, V. Baker, and D. Mayer. 2012. Why employees do bad things: moral disengagement and unethical organizational behavior. *Person. Psychol.* 65: 1–48.
- Neuman, L. 2006. *Social Research Methods: Quantitative and Qualitative Approaches*, Third Edition. London: Allyn and Bacon.
- Orudzheva, L. 2022. Reconciling stakeholder demands: a social dominance perspective, *Social Responsibility Journal*, 18(7): 1229-1250.
- Piff, P. K., Stancato, D. M., Cote, S., Mendoza-Denton, R., & Keltner, D. 2012. Higher social class predicts increased unethical behavior. *Proceedings of the National Academy of Sciences of the United States of America*, 09(11):4086-4091.
- Pratto, F., J. Sidanius, and S. Levin. 2006. Social dominance theory and the dynamics of intergroup relations: Taking stock and looking forward. *European Review of Social Psychology*, 17:271-320.
- Rengifo, M., Laham, S., M., (2022) Big Five personality predictors of moral disengagement: A comprehensive aspect-level approach, *Personality and Individual Differences* 184 (1): 1-10.
- Rom, S, and P. Conway. 2018. The strategic moral self: self-presentation shapes moral dilemma judgments. *J. Exp. Soc. Psychol.* 74(3):24–37.
- Scholl, A, K. Sassenberg, N. Ellemers, D. Scheepers, and F. de Wit. 2018. Highly identified power-holders feel responsible: The interplay between social identification and social power within groups. *British Journal of Social Psychology* 57(1):112–129.
- Tan, X, L. Liu, W. Zheng and Z. Huang. 2016. Effects of social dominance orientation and right-wing authoritarianism on corrupt intention: The role of moral Outrage, *International Journal of Psychology*, Vol. 51(3): 213–219.
- Valerie A, V. Torres, M. Kovbasyuk, O. Addo, T. Ferreir, and C., Cristina, M., 2017. The Relationship Between Social Cynicism Belief, Social Dominance Orientation, and the Perception of Unethical Behavior: A Cross-Cultural Examination in Russia, Portugal, and the United States, *Journal of Business Ethics*, 146(1):545–562.
- Wilson, M. 2003 Social Dominance and Ethical Ideology: The End Justifies the Means? *The Journal of Social Psychology* 143(5): 549-558.